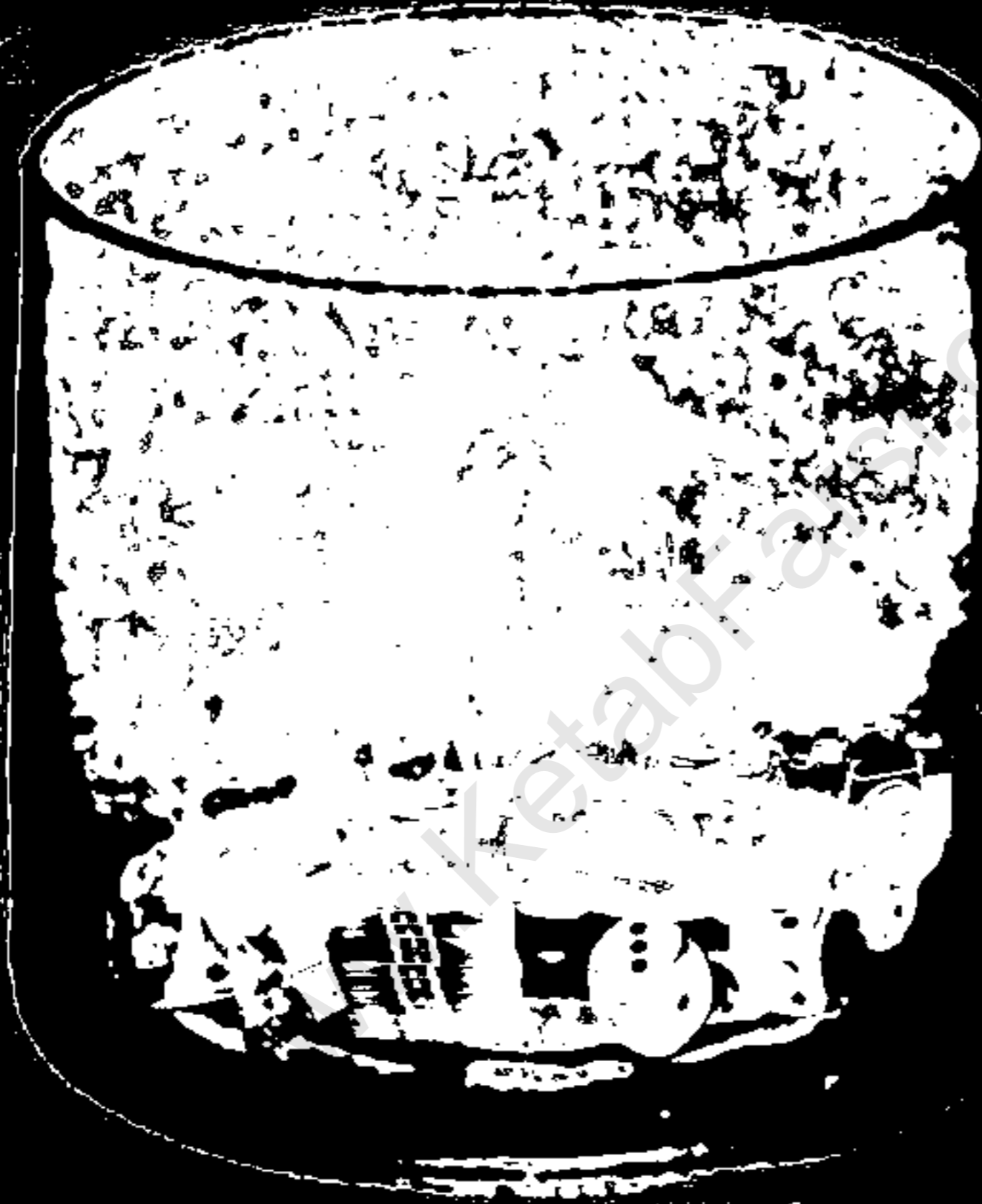


برای  
مردمان



مردمان  
برای

دستان  
مردمان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

[www.Kelompokarsisi.com](http://www.Kelompokarsisi.com)

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# در سال ۷۹ اتفاق افتاد

کاریکاتور

نیک آهنگ کوثر

متن

سیدابراهیم نبوی





## در سال ۷۹ اتفاق افتاد

- کاریکاتور: نیک آهنگ کوثر
- متن: سید ابراهیم نبوی
- طرح جلد: رضا عابدینی
- حروفچینی: روزنه
- چاپ اول: ۱۳۸۰
- تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
- چاپ و صحافی: لیلا

● آدرس: میدان توحید نبش پرچم بالای بانک تجارت طبقه ۴ انتشارات روزنه

● تلفن: ۹۳۹۰۷۴ - ۹۳۵۰۸۶ فاکس: ۹۲۴۱۳۲

● شابک: ۹۶۴-۳۳۴-۰۷۵-۹ ISBN: 964-334-075-9

○ کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نبوی، سید ابراهیم ۱۳۳۷ - نویسنده. کوثر، نیک آهنگ، ۱۳۴۸ - تصویرگر.  
در سال ۷۹ [هفتادونه] اتفاق افتاد / متن سید ابراهیم نبوی: کاریکاتور  
نیک آهنگ کوثر. - تهران: روزنه، ۱۳۸۰.  
۴۳۲ ص.: مصور.

ISBN: 964-334-075-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۷۹ -- کاریکاتورها و کارتونها. ۲.  
کاریکاتورها و کارتونها -- ایران. ۳. طنز فارسی -- قرن ۱۴. ۴. طنزهای سیاسی  
ایرانی. ۵. ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۷۹ -- لطیفه، هجو و طنز. الف.  
نبوی، ابراهیم، ۱۳۳۷ - . ب. عنوان.

۹۵۵/۸۴۵.۲۲۲ DSR ۱۵۸۵/ک۹ د۴

[۷۴۱/۵]

کتابخانه ملی ایران

۷۸-۲۷۳۰۲ م

## فهرست

۷	.....	مقدمه
۹۱	.....	سال نهنک
۲۲۷	.....	وقایع اتفاقیه
۳۱۵	.....	جوادیه
۳۶۳	.....	نامزدنامه

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

### سالی که نکو بود...

سال ۷۹ در حالی آغاز شد که یک روز قبل از آن سال ۷۸ پایان یافته بود. و چند روز قبل از پایان سال ۷۸ سعید حجاریان عضو شورای شهر در حالی که به سفارش بزرگمهر حکیم صبح زود بر سر کارش رفته بود، توسط کسانی که آنها هم به سفارش بزرگمهر حکیم صبح زودتر سر کارشان رفته بودند، به وسیله یک اسلحه غیرسازمانی توسط گروهی عامل خودسر مورد شلیک به اصلاحات قرار گرفت. وی به سرعت به بیمارستان سینا احضار شد و در آنجا روز به روز بهتر از

دیروز شد.

ضاربان حجاریان پس از این واقعه موتورسیکلت غیرسازمانی‌شان را به محل مذکور منتقل کردند و خودشان جهت گذراندن تعطیلات نوروزی به شمال رفتند.

همه چیز نشان می‌داد که جریان ترور توسط خود حجاریان سازماندهی شده است، چرا که:

(۱) ضاربان عضو هیچ نهادی نبودند.

(۲) معمولاً تا آن زمان هر اقدامی توسط حجاریان سازماندهی می‌شد.



هفته‌نامه‌های مخالف اصلاحات اهداف سیا و موساد از ترور حجاریان را افشا کرد. در پی افشای اهداف سیا و موساد از ترور حجاریان و همزمان با آغاز سال جدید، صدا و سیما اعلام کرد که ضاربان حجاریان که تا حدی از عوامل سیا و موساد به شمار نمی‌آمدند، دستگیر شدند. در پی این واقعه عکس یکی از عوامل ترور به جای عکس «سعید عسگر» - عامل اصلی ترور - اشتباهاً در روزنامه عصر آزادگان چاپ شد.

### چرا سعید عسگر اصرار داشت که ضارب است؟

همانطور که واضح و مبرهن است، پس از دستگیری سعید عسگر و اعتراف او به اینکه سعید حجاریان را ترور کرده است، همه مردم معتقد بودند که او تروریست نیست، بلکه فرد دیگری تروریست است. فرقی نمی‌کرد، اگر فرد دیگری هم این اقدام را انجام داده بود، باز هم مردم همین

۳) وی محلی نزدیک به بیمارستان را برای ترور انتخاب کرد.

۴) پس از ترور حال حجاریان رو به بهبودی گذاشت.

۵) نوار تهدید حجاریان توسط خود او پر شده بود.

۶) حجاریان مدتها قبل از ترور اعلام کرده بود که جبهه دوم خرداد تاوان انتخابات مجلس را خواهد داد.

۷) قیمت موبایل صا ایران را کد مانده بود.

۸) درست سه یا چهار ماه بعد از ترور حجاریان قیمت نفت افزایش یافت.

۹) ضارب به حجاریان شلیک کرده و وی را مضروب کرده بود.

### ضارب کیست؟

مدتی پس از اینکه معلوم شد ضاربان حجاریان عوامل خودسری بوده‌اند که برای مخالفت با اصلاحات در شهرری تصمیم به ترور حجاریان گرفته‌اند، یکی از

## صدای پوتین از اوایل سال می آمد

او قبلاً عضو سازمان اطلاعاتی بود، مدتها در جریان اصلاحات عنصر فعالی به شمار می آمد، مورد توجه جوانان و نسل جدید بود و به عنوان یک مرد جدی و تئوریسین شناخته می شد. بله، ولادیمیر پوتین در انتخابات روسیه حائز اکثریت آرا شد و روسها برای اینکه نشان بدهند حتی بعد از فروپاشی سیستم فاشیستی و ایجاد فضای دموکراتیک نیز علاقه عجیبی به اطلاعاتی ها دارند، او را به جای یلتسین انتخاب کردند. در نهمین روز فروردین پوتین به طور رسمی به کاخ کرملین رفت. گویا تا پیش از آن نیز او بارها به طور غیررسمی به کاخ کرملین رفته بود و از آنجا بیرون آمده بود.

## عمو اسکارا! هی! این شبیه عمو اسکاره!

تأثیر گسترده خبری ترور سعید حجاریان منجر به تماس های تلفنی افرادی مانند نلسون ماندلا و کوفی عنان

اعتقاد را داشتند. به هر حال چنانکه شنیده شده است سعید عسگر برای اینکه نشان بدهد خودش تروریست بوده، بارها و بارها ماجرای ترور را قدم به قدم و بدون کوچکترین اشتباه اعتراف کرد.

## نوروز در بیمارستان

روزنامه های جبهه دوم خرداد که علاقمند بودند اخبار وضعیت سعید حجاریان را لحظه به لحظه بنویسند، به جای اینکه در ایام نوروز بروند دنبال کارشان و کمی استراحت کنند، در روزهای نوروز منتشر می شدند. سفره هفت سین حجاریان در بیمارستان چیده شد و فرزند سعید حجاریان از مردم ایران برای شرکت در عیادت پدرش تشکر کرد. کلیه همراهان حجاریان، مخالفانش، دوستان و دشمنان، ضاربان و مضروبان، زندانیان و زندانیانان، اعم از سردبیر کیهان و غیره از ترور حجاریان ابراز تأسف کردند.

### صا ایران! هر روز بهتر از دیروز

تیترها جالب بود: «حجاریان پلک زد»، «حجاریان نگاه کرد»، «دست راست حجاریان کمی تکان خورد»، «حجاریان گفت: آب، تشنمه»، «حجاریان چشمش را باز کرد و گفت: عباس، تویی؟»، «حجاریان روزنامه خواند»، «حجاریان کتاب خواند». مردم به بیمارستان می‌رفتند و ثانیه به ثانیه اخبار او را دنبال می‌کردند.

### نهضت ادامه دارد

پس از ۲۰ روز که به دلیل تعطیلی نوروز و ترور حجاریان و ناراحتی مردم و چند دلیل دیگر جریان فشار بر نیروهای مطبوعات متوقف شده بود، در ۹ فروردین سال ۷۹، عمادالدین باقی که مدتها بود راست راست راه می‌رفت و زندانی نشده بود به دادگاه انقلاب احضار شد. همزمان با این ماجرا اکبر گنجی که حسادتش گل کرده بود و دوست داشت زودتر از باقی به زندان برود، خواستار انتشار

با خاتمی شد، آنان می‌خواستند بدانند حال سعید بهتر شده یا نه؟ با وجود این، مراسم اسکار در آمریکا برگزار شد. و طی مراسمی بیشترین جوایز به فیلم «زیبای آمریکایی» اهدا شد. آمریکایی‌های ناجوانمرد و ظالم باز هم با ناجوانمردی تمام جوایز اسکار را به سعید مجیدی ندادند.

### صدا و سیمای ما، استعفا، تشکر!

معمولاً برای اینکه کسی متوجه بشود که واقعه‌ای در حال وقوع است، حتماً باید کسی تا سر حد مرگ در موضع خطر قرار بگیرد. البته این قاعده در ۹۸ درصد موارد صدق می‌کند و در ۲ درصد مواقع این قاعده صدق نمی‌کند. صدا و سیما که تا پیش از ترور حجاریان جوری برخورد می‌کرد که مردم فکر می‌کردند احتمالاً از نبودن حجاریان بیشتر از بودنش رضایت دارد، پس از مضروب شدن حجاریان تیترا اول خبری خود را به سعید حجاریان اختصاص داد.

بعد اقدام به پخش تصاویر رقص خانمی با حداقل لباس از تلویویونی بکند که تا مدتی پیش تصویر خانم‌ها را با حداکثر لباس هم پخش نمی‌کرد. این سه نفر که به آلمان دعوت شده بودند، در حالی که بهترین عکسهایشان با لبخندی بسیار مرموز روی صفحه اول عصر آزادگان چاپ شده بود منتظر ماندند تا عکس سایرین هم در همان صفحه در روزهای بعد به چاپ برسد.

### ... و عکس‌ها چاپ شد

پنج روز بعد عکس ضاربان سعید حجاریان در حالی که همگی صورت‌ها را اصلاح کرده بودند تا اصلاح طلبانه به نظر جلوه کنند، در روزنامه به چاپ رسید. در پی چاپ این عکس‌ها شایعات قوت گرفت. عده‌ای می‌گفتند: «این‌که همون یارو هست.» و بعد، شایعات مطابق معمول تبدیل به واقعیت شد. قرار شد ضاربان به سرعت محاکمه، محکوم و آزاد بشوند.

مذاکره مصباح یزدی و مدیرکل اطلاعات قم شد. طبیعی بود که کسی به خواسته اکبر گنجی جواب ندهد، اما این امکان وجود داشت که بشود بعداً او را زندانی کرد. درست یک روز بعد از این وقایع «محمد قوچانی» نویسنده جوانی که همیشه مقالاتش با جملاتی نظیر «آن روز در آن خیابان اتفاق جالبی افتاد...» شروع می‌شد، برای اینکه توضیح بدهد آن روز در آن خیابان چه اتفاق جالبی افتاد، به وزارت اطلاعات احضار شد. وی پس از توضیح در مورد اینکه آن روز در آن خیابان چه اتفاق جالبی افتاد به محل کارش بازگشت و شروع کرد به ترسیدن.

### ... و آنان در ابتدا سه نفر بودند

وقتی یکی از خبرنگاران روزنامه عصر آزادگان عکس دولت‌آبادی، سپانلو و روانی‌پور را روی میز سر دبیر گذاشت، هیچکس حدس نمی‌زد که صدا و سیما دو هفته

### سیزده بدر، سال دگر...

کسانی که سیزده بدر سبزه‌هایشان را در بیمارستان گره زده بودند، برای سلامتی حجاریان دعا کردند، همین مسئله باعث شد که فقط حجاریان از این ماجرا جان سالم بدر ببرند. محمدرضا خاتمی که ترور نشده بود و قدرت رفتن به دادگاه را داشت، در اولین روز بعد از تعطیلات به دادگاه احضار شد.

### جرم این است، جرم این است...

اصلاحات در قوه قضائیه با قوت تمام پیش می‌رفت. جز برخی احضارها و بازداشت‌ها همه چیز در قوه قضائیه بهتر از قبل شده بود. دیوان عالی کشور در اولین روزهای سال اعلام کرد:

«داشتن نوار کاست، پوستر و فیلم جرم نیست». اعلام این خبر موجی از شادی را در میان دوستداران نوار کاست، پوستر و فیلم به وجود آورد. آنان نفس راحتی کشیدند.

### اما، لاتزیو نفس یوونتوس را گرفت

اما در ایتالیا وضع دیگری وجود داشت. شاید به دلیل اینکه در ایتالیا «داشتن نوار کاست، پوستر و فیلم» برای اعضای تیم یوونتوس جرم نبود، در یک بازی نفس‌گیر، لاتزیو نفس یوونتوس را گرفت.

### تنفس مصنوعی حجاریان

روز شانزدهم فروردین بود که تنفس سعید حجاریان با مشکل مواجه شد. او را مجدداً به دستگاه تنفس مصنوعی وصل کردند. گروهی از پزشکان ایرانی که در آلمان و آمریکا زندگی می‌کردند برای مداوای حجاریان به ایران آمدند. موضوع حجاریان مجدداً عمده شد. طه هاشمی که لابد می‌دانست چه خبر است در یک اظهارنظر صریح و بی‌پرده اعلام کرد: «خودسر خواندن عوامل ترور حجاریان بی‌معنی است.» وی نمی‌دانست که بسیاری از نظراتی که توسط دوستان و همکارانش تا پیش از این ارائه

چنگیز پهلوان، شهلا لاهیجی، شهلا شرکت، علی افشاری و کاظم کردوانی قرار بود در کنفرانس بررسی اوضاع ایران بعد از انتخابات شرکت کنند. کنفرانس در برلین برگزار شد. هوا گرم بود. سالن کوچک بود. عده‌ای جوش آوردند، روسری‌ها عقب رفت. یکی دو خانم و آقا که بسیار گرمشان شده بود لباسهایشان را درآوردند و یکی از آنان به اجرای حرکات شنیع و موزون پرداخت. دوربین صدا و سیما که تصادفاً به وسط آن سالن پرت شده بود روشن شد و کلاغ‌ها خبر آوردند. در روز ۲۰ فروردین عده‌ای که معتقد بودند اصلاح‌طلبان عوامل رژیم جمهوری اسلامی هستند علیه خاتمی و گنجی و یوسفی اشکوری شعار دادند و آنها را مزدوران جمهوری اسلامی دانستند. به همین دلیل این مزدوران - اشکوری و گنجی - پس از بازگشت به ایران به زندان رفتند، برای اینکه اثبات کنند خیلی هم مزدور نیستند. ده روز بعد صدا و سیما در یک اقدام بسیار آشکار که نیمه پنهان بانوان

شده است، بی‌معنی است. بحث بر سر اینکه تروریست‌ها چه قصد و هدفی داشتند و به چه دلیل حجاریان را ترور کردند با جدیت تمام مطرح شد. جالب‌ترین و دقیق‌ترین نظر در مورد ترور حجاریان توسط یکی از نیروهای کارشناس اطلاعاتی یعنی سردار نقدی اعلام شد. وی با شهادت تمام اعلام کرد که: «سر نخ ترور حجاریان به نهضت آزادی می‌رسد.» بسیاری از کسانی که این نظر را شنیدند، با خودشان گفتند: «عجب احمق‌هایی بودیم! چرا زودتر به فکرمان نرسید؟»

### ... و آنان ۱۶ نفر شدند؟

جستجو برای یافتن عکس‌های سایرین ادامه یافت. عصر آزادگان در روز ۱۶ فروردین عکس گنجی، علوی تبار، جلایی‌پور، مهرانگیز کار، جمیله کدیور، عزت‌الله سبحانی و یوسفی اشکوری را هم به چاپ رساند. این افراد همراه با سپانلو، روانی‌پور، دولت‌آبادی، رئیس دانا،

### ۱۳ یهودی بازداشت شده، هیاهوی بسیار برای هیچ

در سال ۷۸ خبر بازداشت ۱۳ یهودی به اتهام جاسوسی در ابعادی وسیع‌تر از آنچه بود، پخش شد. با وجود اینکه یهودیان دائماً در حال اعتراف به جاسوسی بودند، اما کسی حرف آنها را باور نمی‌کرد. بالاخره مردم دلشان به رحم آمد و پذیرفتند که آنان جاسوسند.

### من هم همینطور

واقعه کوی دانشگاه به عنوان مهم‌ترین واقعه سال ۷۸ به تدریج از اوایل سال ۷۹ با تغییرات وسیعی مواجه شد، به تدریج معلوم شد چیزی که بود، نبود و چیز دیگری شد که قبلاً نبود. بحث بر سر انتخاب نوع لباس با دقت فراوان نسبت به نحوه پوشش به موضوعی سیاسی تبدیل شد؛ عده‌ای طرفدار لباس نظامی و عده‌ای طرفدار لباس شخصی بودند. سرتیپ نظری که در دادگاه محاکمه

رقاص را آشکار کرده بود، اثبات کرد که اگر پای تسامح و تساهل باشد از مهاجرانی هم تسامح و تساهلی بیشتری از خود نشان می‌دهند. فیلمها پخش شد و مردم هیجانزده شدند.

### پسر خاله جان!

تعداد خاتمی‌ها در سال ۱۳۷۹ در حکومت از مرز یک نفر گذاشت. محمدرضا خاتمی که تا پیش از این تنها برادر رئیس جمهور بود با پیروزی در انتخابات باعث شد که سیدمحمد خاتمی به تدریج به برادر نایب رئیس مجلس تبدیل شود. خاتمی‌های جدیدتری نیز وارد بازی شدند. این تیتراژ در یکی از روزهای فروردین ماه در روزنامه عصر آزادگان به چاپ رسید: «پاسخ پسر خاله خاتمی به یک مقاله». مردم می‌گفتند: خاتمی دوستت داریم، داداشت رو هم دوست داریم، پسر خاله‌ات رو هم دوست داریم.

می‌شد، اظهار داشت: «من هم لباس شخصی‌ها را مسئول می‌دانم.»

### مصیبت کم بود، مرگ هم آمد

اظهار نظرات عجیب و غریبی که در سال ۱۳۷۹ انجام می‌شد باعث شد تا افراد مهمی دچار درگذشت جانکاه بشوند. شاید نبودن فاجعه به میزان کافی و ایجاد آمادگی برای وقایع ماههای بعد در این واقعه نقش داشت. استاد «عباس سحاب» پدر جغرافیا و نقشه‌کشی ایران درگذشت. به فاصله‌ای اندک «محمدعلی فردین» پدر سینمای فارسی قبل از انقلاب درگذشت و عاقبت به‌خیر شد. مخالفان اصلاحات که تخصص فراوانی در افشای نیمه‌پنهان سینماگران داشتند، آنقدر درگیر افشای گنجی و باقی و دیگران بودند که دستپاچه شدند و به جای افشای فردین از وی تجلیل کردند. این واقعه جزو معدود شانس‌های سال ۷۹ بود.

### همه خبرها بد نبود

علیرغم اینکه احمد بورقانی وکیل درشت‌اندام و جذاب مجلس اظهار داشت که «قرار است طرح تازه‌ای علیه آزادی سامان داده شود.» اما کسی اظهارات او را جدی نگرفت، چون مردم می‌شنیدند که «محتشمی به دادگاه ویژه روحانیت احضار شده است.» آنان می‌گفتند اگر قرار است آزادی مورد تهدید قرار بگیرد، پس چرا محتشمی به دادگاه احضار می‌شود؟ در پی این بحث فلسفی بر سر وجود و عدم بود که محافل سیاسی هشدار دادند که محافظه‌کاران طرح‌های تازه‌ای علیه روزنامه‌های مستقل در دست دارند. به فاصله‌ی یکی دو روز از این شایعه نادرست بود که هادی خامنه‌ای به دادگاه ویژه روحانیت احضار شد و مردم فهمیدند که تمام این شایعات دروغ است. کار تا به آنجا پیش رفت که شمس‌الواعظین تصمیم گرفت این شایعات را تکذیب کند. روز ۲۲ فروردین



بازداشت روزنامه‌نگاران باعث گردهم‌آیی می‌شود؟» در این مورد دو نظر وجود داشت که طبعاً با هم تضاد داشتند. خودتان می‌توانید حدس بزنید که این دو نظر چه بود، همه چیز را که من نباید توضیح بدهم.

یک روز پس از زندانی شدن شمس‌الواعظین گردهم‌آیی روزنامه‌نگاران برای دفاع از او تشکیل شد و طبعاً جز اینکه دوستانی که مدتی همدیگر را ندیده بودند، همدیگر را دیدند، هیچ فایده‌ای نداشت.

### محاكمه برخلاف قانون

مهاجرانی که تقریباً از اواخر سال ۷۸ غزل خداحافظی را در مایه «ابوعطا» خوانده بود، دچار مواضع اصولی شد. وی در دفاع از شمس‌الواعظین اظهار داشت: «محاكمه شمس‌الواعظین خلاف قانون بود.» علت این اظهارات معلوم نشد. چون به نظر می‌رسید علت خاصی ندارد. اگر هم علت خاصی داشت، نتیجه خاصی نداشت.

«شمس‌الواعظین» در حالی که شایعه وجود طرح‌هایی برای محدود کردن آزادی‌ها را تکذیب می‌کرد، حکم خود را مبنی بر ۲/۵ سال زندان دریافت کرد. وی قرار شد ۲/۵ سال از بهترین سالهای عمرش را به زندان برود. یک روز بعد یعنی در روز ۲۳ فروردین برای اینکه شمس فرصت کافی برای فکرکردن داشته باشد به زندان رفت و درگیر افکار عمیق فلسفی و جامعه‌شناسی شد. او هرروز نتیجه‌اندیشه‌هایش را از طریق تلفن زندان به دوستانش اطلاع می‌داد. با افزایش هزینه تلفن، مدتی بعد، تلفن او قطع شد.

### گردهم‌آیی روزنامه‌نگاران

جز این سؤال که آیا «مرغ اول بود یا تخم‌مرغ؟» یک سؤال دیگر نیز در سال ۷۹ با جدیت تمام مطرح بود: «آیا گردهم‌آیی باعث بازداشت روزنامه‌نگاران می‌شود، یا

دادن به این ماجرا احمد حکیمی پور که در جریان ترور حجاریان از عوامل مهم ترور محسوب می‌شد، دستگیر شد. وی به دخالت در ترور اعتراف نکرد، اما مدتی بعد آزاد شد.

### اصلاح طلبان و آجومداری

علیرغم اینکه ماه فروردین ماه سخت و تلخی برای اصلاح طلبان به شمار می‌آمد، اما لحظه‌های جالبی نیز در این ماه اتفاق افتاد، لحظه‌هایی دلنشین که در آن اظهارات جالب و بامزه‌ای عنوان شد. یکی از مسئولان کشور که اطلاعات ویژه او از مقاصد پنهان جناح اصلاح طلب همواره به عنوان یک نظریه علمی مطرح بود، در یک اظهار نظر شگفت‌انگیز گفت: «اصلاح طلبان در بعضی جاها به میهمانان خارجی آجیو می‌دهند.» در پی این اظهار نظر توجه میهمانان خارجی به اصلاح طلبان اوج گرفت.

### حدس‌ها، ابطال‌ها و انتخابات

بحث بر سر نمایندگان مجلس ششم علیرغم اینکه انتخابات تمام شده بود، همچنان ادامه داشت. انتخابات در برخی از حوزه‌های انتخابیه ابطال شد و باعث شد تا برخی مخالفان ابطال انتخابات این سؤال جدی و فلسفی را مطرح کنند که: «چرا انتخابات ابطال شد؟» و چون کسی به این سؤال پاسخ نمی‌داد، آنان سؤال‌شان را با صدای بلندتری مطرح می‌کردند. در نتیجه در دماوند و خلخال و چند منطقه دیگر مقداری شیشه شکسته شد، تعدادی زخمی و تعدادی بازداشت شدند و مشکلات حل شد.

### شورای شهر، وای! شورای شهر

با وجود اینکه مدتهای طولانی از تشکیل شورای شهر گذشته بود، اما اتفاق بسیار بدی افتاده بود؛ هیچیک از اعضای شورای شهر بازداشت نشده بودند. این عمل بسیار بی‌معنی به نظر می‌رسید، به همین دلیل برای معنی

## ما احتیاج به هیجان داریم

ماه اردیبهشت در حالی آغاز شد که کاش آغاز نمی‌شد. زلزله‌ای به قدرت ۱۰ ریشتر مطبوعات را لرزاند. درست در روزهایی که همه منتظر یک دردسر حسابی بودند، دردسر حسابی اتفاق افتاد. روز چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ حکم توقیف دو روزنامه صادر شد، بعداً حکم توقیف سایر روزنامه‌ها صادر شد. باد می‌وزید و جهانیان در فکر چیزهای احمقانه و کثیفی مانند حفظ محیط زیست بودند. دقیقاً ۲۰۰۰ سال از ولادت مسیح می‌گذشت و در یک روز دل‌انگیز بهاری، یعنی چهارم اردیبهشت ماه، حکم توقیف ۱۴ روزنامه و هفته‌نامه صادر شد. نشریات «فتح»، «عصر آزادگان»، «آفتاب امروز»، «آزاد»، «بامداد نو»، «آریا»، «پیام هاجر»، «ایران فردا»، «گزارش روز»، «اخبار اقتصاد»، «پیام آزادی»، «جبهه»، «آبان» و «ارزش» صادر شد. یک روز بعد مردم می‌پرسیدند: پس ما چه روزنامه‌ای بخوانیم؟ اما کسی به آنها جواب

مشخصی نداد. یعنی جواب مشخصی وجود نداشت که داده شود. آنان روزنامه صبح امروز، بیان و مشارکت را می‌خواندند. یک هفته بعد، در روز دهم اردیبهشت ماه روزنامه‌های صبح امروز و مشارکت توقیف شدند. مدتی بعد هفته‌نامه «آوا» توقیف شد و کمی بعد روزنامه «بیان» توقیف گشت.

## حالا ما چی کار کنیم؟

با تعطیل نشریات به اصطلاح دوم خردادی که پس از توقیف به نشریات زنجیره‌ای تبدیل شده بودند، نویسندگان و مسئولان این نشریات بی‌کار شدند، بنابراین ترجیح دادند که هرچه سریعتر محاکمه و محکوم شوند. عمادالدین باقی روزنامه‌نگاری که به جای اینکه به کارهای خودش بپردازد، به کارهای دیگران می‌پرداخت، در پی شکایاتی که همگان - جز حافظ شیرازی و لنین - از او کرده بودند از روز ۱۲ اردیبهشت به دادگاه احضار شد.

## مادلین آلبرایت؛ زنیکه منت‌کش!

با فاصله کوتاهی از توقیف مطبوعات در ایران، مادلین آلبرایت بانوی درشت‌اندام سرخپوش که یکی از تخصص‌هایش دادن چراغ سبز به دولت ایران بود، در یک اقدام نسبتاً دیپلماتیک اظهار داشت: «ایران سرکش نیست، دموکراتیک است.» مردم ایران هرچه فکر کردند نفهمیدند منظور وی چیست؟ آیا او معنای سرکش را نمی‌داند؟ آیا او نمی‌فهمد که دموکراتیک یعنی چه؟ دعوا بر سر این موضوع مدت‌ها ادامه یافت.

## گوناگون، دانستنیها و سایر موضوعات

هفته‌نامه «گوناگون» و دو هفته‌نامه «دانستنیها» در ماه تیر سال ۷۹ کار خود را آغاز کردند و یک ماه بعد به کار خود خاتمه دادند. شاید مهم‌ترین دلیل تعطیل «گوناگون» این بود که «شکل» این هفته‌نامه شبیه سایر نشریات دوم‌خردادی بود، اما مهم‌ترین دلیل تعطیل «دانستنیها»

وی بعد از ۶ جلسه دادگاه روز ۹ خرداد زندانی شد. «مهرانگیز کار» و «شهلا لاهیجی» که از کنفرانس برلین بازگشته بودند و به شدت خسته و ناراحت بودند، برای تمدد اعصاب به زندان رفتند. علی‌افشاری و اکبر گنجی نیز که بیکار بودند و حال و حوصله کار مطبوعاتی نداشتند، برای دیدن شمس‌الواعظین رهسپار اوین شدند.

## محیط زیست و جنگل‌ها

واقعیت این بود که محیط زیست به دلیل مشکلات فراوان ناشی از آلودگی هوا، آلوده شده بود. کارکنان مطبوعات در یک اقدام هماهنگ تصمیم گرفتند که برای حفظ طبیعت، مانع قطع درختان و ادامه کار مطبوعات شوند. تقریباً در ماه اردی‌بهشت و خرداد سال ۷۹ اتفاق مهمی جز توقیف و بازداشت نیفتاد.

برای بیماری خواهر خردسالش به خانه می‌برد، در راه خورده بود و حالا پس از سی و چند سال تاوان این تساهل خود را پس می‌داد.

### ویرانه، ویران‌تر

اما همه با این نکته که قوه قضائیه فعال‌تر از قوه مجریه هست موافق نبودند. آیت الله طاهری امام جمعه اصفهان طی یک اظهارنظر از راه دور اظهار داشت: «امیدواریم قوه قضائیه ویران‌تر نشود.»

البته طبیعی بود که این اتفاق نمی‌افتاد، چرا که انتخاب یک سخنگوی مؤدب و تمیز و حرفهای بسیار جالبی که آیت الله هاشمی شاهرودی می‌زدند، نشان می‌داد که مشکل خاصی وجود ندارد. آیت الله شاهرودی در جریان بازرسی خانه‌های کسانی که از برلین بازگشته بودند، اظهار داشت: «من در روزنامه‌ها خواندم که خانه‌های این افراد مورد بازرسی قرار گرفته است.»

این بود که «شکل» این هفته‌نامه شبیه سایر نشریات دوم خرداد می‌نمود. واقعیت این است که در سال ۷۹ تعطیل شدن یک نشریه نیازمند دلیل خاصی نبود. با تعطیل این دو نشریه تعداد نشریات تعطیل شده از ابتدای سال به ۲۰ نشریه رسید. و این واقعیت نشان از برخورد فعال با مطبوعات داشت.

### ترمیم کابینه ضروری است

اما برخورد قوه مجریه چندان فعال نبود. شاید به همین دلیل بود که طرح «ترمیم کابینه» توسط گروه‌های موافق و مخالف مطرح شد. طرفداران اصلاحات معتقد بودند وزرایی که در جهت اصلاحات قرار ندارند باید بر کنار شوند و مخالفان اصلاحات مخالف این نظر بودند. طبیعی بود که در سال ۷۹ هر وقت نام ترمیم کابینه به میان می‌آمد همه به یاد مرد خونسردی می‌افتادند که در سالهای نوجوانی در کمال ناباوری، تمام شیرخوری را که

## پیش به سوی زندان اوین

تا پیش از تیرماه «عبدالله نوری»، «محسن کدیور»، «ماشاءالله شمس الواعظین» در زندان اوین کارشان را آغاز کرده بودند. با پیوستن «اکبر گنجی»، «عمادالدین باقی»، «علی افشاری» و «عزت‌الله سبحانی» کلکسیون زندانیان کامل‌تر شد. «عزت‌الله سبحانی» یکی از سخنرانان کنفرانس برلین در پی اظهارات فرشاد ابراهیمی زندانی شده بود. وی که سه بار پیش از انقلاب تجربه زندان را داشت و پس از انقلاب نیز یک بار زندانی شده بود، در سال ۷۹ دوبار به زندان افتاد. «لطیف صفری» صاحب امتیاز «نشاط» نیز در پی زندانی شدن «شمس الواعظین» و «عمادالدین باقی» به زندان رفت. «محسن رهامی» و «شیرین عبادی» - که هر دو وکیل بودند - نیز برای درک دقیق شرایط موکلین خود و همچنین برای ادای توضیحاتی که حتماً باید در زندان اوین شنیده می‌شد، به زندان اوین مشرف شدند. در همین حین البته «مهرانگیز کار» و «شهلا

لاهیجی» هم در زندان اوین بودند. شاید به دلیل این تعداد زیاد زندانیان بود که «محسن کدیور» که در طول ۱/۵ سال زندان - با هدف گذاشتن حسرت یک - تمام کارهای عقب‌مانده تحقیقاتی‌اش را در زندان انجام داده بود، آزاد شد تا جای مناسب برای زندانیان جدید باز شود.

## تذکر قانون اساسی

در پی توقیف مطبوعات و دستگیری نویسندگان و برخی نیروهای سیاسی رئیس جمهور احساس کرد که باید در این مورد به قوه قضائیه تذکر بدهد. این احساس منجر به تذکر قانون اساسی شد، اما متأسفانه با احساس رئیس‌جمهور بازی شد و این احساس جدی گرفته نشد.

## به مطبوعات آزاد نیاز داریم

در اوایل تیرماه ۷۹ محسن میردامادی نماینده جدید

مجلس طی یک اظهار نظر عجیب و غریب و جدید اظهار داشت: «به مطبوعات آزاد نیاز داریم. دولت، احزاب و کل سیاستمداران باید کنترل شوند.» اما این نظریه اشکالات منطقی متعددی داشت، اولاً: برای کنترل دولت هیچ احتیاجی به مطبوعات آزاد وجود نداشت، چون دولت نمی‌خواست کاری بکند که نیازی به کنترل آن کار باشد. ثانیاً: برای کنترل احزاب نخست باید حزبی وجود داشته باشد که بتوان آنرا کنترل کرد و چون حزبی وجود خارجی ندارد، بنابراین نیازی هم به کنترل آن نیست. برای کنترل کل سیاستمداران ایرانی هم از مطبوعات کاری ساخته نیست، نه تنها از مطبوعات بلکه از خداوند هم کاری ساخته نیست. شاید به دلیل همین اظهار نظر نادرست بود که جریان بازداشت و توقیف در مورد مطبوعات ادامه یافت. مردم به میردامادی گفتند: «برو بابا! یه چی می‌گی‌ها! مگه اینجا سوئیسه.»

### شکایت ادامه دارد

با زندانی شدن شمس الواعظین و لطیف صفری کار آنها تمام نشد. آنها در زندان کارهایی را انجام می‌دادند که با شئونات زندان مخالف بود. مثلاً حرفهای خاصی می‌زدند و کارهای خاصی می‌کردند. و شاید به همین دلیل بود در شرایطی که در طول دو ماه ۲۰ نشریه توقیف و بیش از ده نفر زندانی شده بودند، رئیس اداره زندانها از شمس الواعظین و لطیف صفری شکایت کرد، منتهی قرار شد این شکایت پس از آزادی آنها پیگیری شود.

### نوارسازان و نواربازان

با توقف رسانه‌های چاپی جبهه دوم خرداد و ایجاد بحران در طوفان گوتنبرگ موج دوم ارتباطی در ایران به راه افتاد. علاوه بر نوارهای گوگوش و دلکش و مهرشاد عقیلی که در آن اظهار می‌داشت «ساده بگم، ساده بگم، ساده بگم داهاتی‌ام»، بازار نوار نیز مانند همه جای مملکت سیاسی

شد. پس از کنفرانس برلین انواع نوار کنفرانس برلین شامل «نوار ۱۶ ساعته بدون سانسور»، «نوار خلاصه شده صحنه دار»، «نوار خلاصه شده بدون صحنه» و «نوار مجاز کنفرانس برلین» وارد بازار شد. نوار قبلی نوار تهدید حجاریان بود که مشتری‌های زیادی داشت و دست به دست می‌گشت.

در یک صبح دل‌انگیز تابستانی، ناگهان شنیده شد که «فرشاد ابراهیمی» عضو سابق گروه‌های فشار که از فشار دادن دیگران خسته شده، در یک اقدام بی‌سابقه به افشای فعالیت‌های سابق خود پرداخته است. ظاهراً مشکل از آنجا ناشی شده بود که او فعالیت‌های سابق دیگران را نیز افشا کرده بود. بدین ترتیب وی از یک موجود فشاردهنده به یک موجود تحت فشار تبدیل شد.

**بیت:**

فرشاد که زور می‌نمودی همه عمر

دیدي که چگونه زور فرشاد نمود

اما ماجرا تنها به دستگیری فرشاد ابراهیمی ختم نشد. داستان ادامه یافت و باعث دستگیری «محمد ابوالحسنی»، «عبدالله شریعتی»، «محمدجواد دهقانی تفتی» و «علی‌اکبر زحمتکش» به عنوان همکاران وی شد. همچنین علیرضا ساریخانی و حمید مرعشی‌زاده نیز در این پرونده موقتاً بازداشت شدند. همچنین محسن رهامی و شیرین عبادی دو وکیل که تصادفاً اولی وکیل دانشجویان کوی و دومی وکیل مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی بود، بازداشت شدند. و مردم در جریان پرونده‌ای قرار گرفتند که به نام پرونده نوارسازان معروف شد.

### **خبرهای خوب ماه**

اما همه دادگاه‌ها منجر به بازداشت و زندان و محکومیت نشد. دادگاه حمله‌کنندگان به کوی دانشگاه که تا یک سال پیش تصور می‌شد یک فاجعه ملی است، تشکیل شد. سردار نظری که به عنوان عامل حمله به دانشگاه معروف



شده بود، محاکمه شد، اما تبرئه شد. تبرئه سردار نظری نشان داد که از آن خبرها هم نیست که هر کسی به دادگاه برود او را زندانی و محکوم کنند، بلکه اگر بیگناه باشد او را تبرئه می‌کنند و به خانه‌اش می‌رود.

### آب خنک برای تشنه‌ها

شاید در پی همین مجموعه از دادگاهها بود که رئیس جمهور بالاخره تصمیم گرفت سیاست گفتگوی خود را انجام دهد. وی در یک گفتگوی تکان‌دهنده اظهار داشت: «مردم تشنه عدالت هستند.»

### و یک اظهار نظر تکان‌دهنده دیگر

مردمی که تشنه عدالت بودند و در طول ماه تیر سال ۷۹ در اثر شنیدن اخباری که مثل خوردن چیپس آنها را دائماً تشنه‌تر می‌کرد و از اول صبح تا آخر شب دائماً تکان تکان می‌خوردند در پی شنیدن نظرات تکان‌دهنده

حجت‌الاسلام زم که با پایین کشیدن فتیله دوم خرداد فتیله چراغش را بالا کشیده بود، باز هم تکان خوردند. اظهارات «زم» آنقدر تکان دهنده بود که نقل آن در این یادداشت ممکن است ما و شما را هم تکان بدهد، بنابراین برای اینکه کمتر تکان بخورید به روزنامه‌های همان زمان مراجعه کنید.

### باغبان بند ۳۲۵

در این میان یک زندانی بود که کمتر از دیگران تکان می‌خورد. وی که پس از کرباسچی زندانی شده بود، در بند ۳۲۵ زندان اوین به سوی سازندگی گام برداشته بود و به جای مصاحبه کردن و سر و صدا کردن باغچه کوچکی را در زندان آبیاری می‌کرد. نام آن مرد عبدالله نوری بود.

### مناظره تا پایان

اما شمس الواعظین وضع دیگری داشت، او که چندان